

A Cognitive-based Investigation of the Rules of Semantic Extension of Preposition "An" (about; from) in Quran

Maryam Tavakolnia¹, Valiollah Hasoomi^{2*}

1- MA Student, Faculty of Quranic Sciences of Zahedan, Zahedan, Iran

maryamtavakol7@ gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, University of Sistan and Baloochestan, Zahedan, Iran

dr.hasoomi.@theo.usb.ac.ir

Abstract

Locative prepositions are considered the rich source of understanding and interpreting Quran methodologically. The present study, focusing on the preposition “an” which is one of the most useful prepositions in Quran, aims to analyze the meanings of the preposition as well as the way it has been extended based on the rules and principles of meaning extension within the cognitive semantic framework. To do this, different uses of “an” has been studied. Having reviewed the theoretical foundations such as recognition of trajector, landmark as well as the conceptual network of meanings related to prototypes, we introduced the focal meaning of the preposition and the way it has been extended in Koranic expressions. Then we have proposed some rules such as mapping, active domain and semantic dynamism, each of which includes some other components playing a part in its meaning extension.

Keywords: Preposition AN; Cognitive Linguistics; Rules of meaning extension; Conformity; Active Zone.

بررسی قواعد گسترش معنایی حرف «عن» در قرآن با رویکرد شناختی

مریم توکل نیا^{۱*}، ولی الله حسومی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی زاهدان، زاهدان، ایران

maryamtavakol7@gmail.com

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

dr.hasoomi@theo.usb.ac.ir

چکیده

حروف اضافه مکانی منبع غنی در فهم و تفسیر قرآن به روش شناختی هستند. در نوشتار حاضر با محوریت حرف «عن»، یکی از پرکاربردترین حروف در قرآن، کوشش شده است که معانی این حرف و نحوه گسترش آنها با تکیه بر اصول و قواعد گسترش معنا در رویکرد معناشناسی شناختی، بررسی و تحلیل شود. بدین منظور، به روش توصیفی-تحلیلی کاربردهای حرف «عن» در آیات بررسی شده و پس از مروری بر مبانی نظری پژوهش، چون شناسایی مسیرپیما و مرزما و اثبات وجود شبکه‌ای از مفاهیم که به معنای پیش‌نمونه پیوند خورده‌اند، معنای کانونی این حرف معرفی شده است. براین اساس، نحوه گسترش معنای حرف «عن» در عبارات قرآنی، تحلیل و ارزیابی شده و قواعدی بدین منظور پیشنهاد شده است، از جمله این قواعد: مسئله انطباق، مسئله منطقه فعال و پویایی معنا است که هرکدام دارای مؤلفه‌های دیگری است که موجب بسط و توسعه معنای این حرف در آیات قرآنی شده است.

واژه‌های کلیدی

حرف عن، معناشناسی شناختی، قواعد گسترش معنا، انطباق، منطقه فعال، پویایی معنا.

مقدمه

معناشناسی شناختی که از زبان‌شناسی شناختی نشأت گرفته، رویکردی است که در آن زبان را برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات به کار می‌برد و به لحاظ روش‌شناختی، تجزیه و تحلیل مبانی تصویری و تجربی قواعد زبان‌ها را به‌سرنیله مقصود گوینده کلام از اهمیت اساسی برخوردار است. معناشناسی شناختی در حروف قرآن هم بحثی است که معنا و مفهوم حروف به‌کاررفته در قرآن را تحلیل می‌کند و این تحلیل به‌منظور کشف مفاد نشانه‌های نمادین برای مفاهیم ذهنی این حروف است. در این رویکرد، نشانه‌های زبان محصول ذهن است که با شناخت و تجارب محیطی ارتباطی عمیق دارد. معناشناسی شناختی همواره نگاه ویژه‌ای به پدیده چندمعنایی و قواعد بسط و توسعه معنا به‌ویژه در حروف داشته است؛ بنابراین ضروری است از رویکرد معناشناسی شناختی برای دست‌یافتن به معارف بیشتری از قرآن بهره برد. از این‌رو، حرف «عن» را برگزیدیم و آن را بر اساس قواعد گسترش معنا تحلیل‌شناختی کردیم، تا با واکاوی‌های این حوزه درباره حرف «عن»، روشی کاربردی را برای چگونگی تفسیر و کشف معانی حروف قرآنی معرفی کنیم. حال با وجود ارائه تفاسیری که تاکنون درباره قرآن کریم نگاشته شده است، خلاءهایی در آن درباره تبیین معنای حروف مشاهده می‌شود که معناشناسی شناختی در تفسیر قرآن می‌کوشد، این خلاءها را پر کند.

بنابراین با تکیه بر مطالب فوق نوشتار حاضر در پی پاسخ‌گویی به سؤال زیر است:

۱. ارتباط معنای پیش‌نمونه‌ای با معانی دیگر حرف «عن» در رویکرد شناختی چگونه تبیین می‌شود؟

۲. قواعد گسترش معنا در رویکرد شناختی کدامند؟

۳. نقش قواعد گسترش معنا در بسط و توسعه معنایی حرف «عن» چگونه تحلیل می‌شود؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال نخست پیشینه آن بررسی و سپس مبانی نظری بحث تبیین و بر اساس آنها حرف «عن» با تکیه بر قواعد گسترش معنا تحلیل شناختی می‌شود.

پیشینه بحث

تا جایی که نگارنده بررسی کرده، کار مستقلی در رابطه با موضوع بررسی قواعد گسترش معنایی حرف «عن» در قرآن با رویکرد شناختی، صورت نگرفته است. پژوهش‌های دیگری در زمینه معناشناسی شناختی در قرآن نگارش یافته‌اند از جمله: پور ابراهیم (۱۳۸۸) در پژوهش بررسی زبان‌شناختی استعاره در قرآن، انواع استعاره‌های مفهومی را در پانزده جزء قرآن کریم بررسی کرده و برای آنها طرح‌واره‌هایی ارائه داده است؛ بنابراین به شکل کلی به مبحث استعاره‌ها و طرح‌واره‌های تصویری پرداخته و نقش معانی گوناگون حروف در مفهوم‌سازی‌های قرآنی را ارزیابی نکرده است.

کرد زعفرانلو کامبوزیا و حاجیان (۱۳۸۹) در مقاله «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی»، ضمن تبیین استعاره جهتی و ارائه تعریف طرح‌واره ایجادشده به‌دست آن، وجود استعاره جهتی بـ / و پایین را با آوردن آیات قرآن اثبات کرده است. در این اثر نیز مؤلفان بحثی درباره قواعد گسترش معنا در حروف مطرح نکرده‌اند.

قائم‌نیا (۱۳۹۰) در کتاب معناشناسی شناختی قرآن، با نگاه شناختی به تفسیر آیاتی از قرآن پرداخته

چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی، علاوه بر معرفی بهترین روش دستیابی به معانی حروف، روش‌های سنتی حروف مکانی در زبان فارسی را تعریف کرده است و روش نو در روشن‌سازی معنای واقعی حروف را روش شبکه‌ای معنا مبتنی بر شباهت حروف می‌داند و رابطه مفهومی شبکه‌های معنایی را ظاهر می‌سازد و این نظریه را با محور قراردادن حروف مکانی و به‌طور خاص حرف «از» در چارچوب مفاهیمی چون طرح‌واره، شکل و زمینه استعاره بررسی می‌کند. زاهدی و محمدی زیارتی (۱۳۹۰) در مقاله شبکه‌های معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی، بعد از طرح مبانی نظری، روش تایلر و ایونز را در این خصوص مبنا قرار می‌دهد و سپس معانی این حرف را تحلیل شناختی می‌کند، مثلاً در این جمله که آب استخر از چاه است، آب استخر را زمینه و چاه، همچون شکل قرار می‌گیرد و رابطه بین شکل و زمینه را با مفهوم طرح‌واره تبیین و در نهایت خوشه‌های معنای این حرف را مشخص می‌کند.

اما تمرکز پژوهش حاضر به‌طور خاص روی تبیین معنای حرف عن با تکیه بر رویکرد شناختی است که برای نیل به این مقصود نمونه‌های آن از قرآن استخراج شده و با توجه به روش‌های گسترش معنا در معناشناسی شناختی این حرف تحلیل و بررسی شده است.

۱. مبانی نظری پژوهش

زبان‌شناسی شناختی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی متولد شد. این رویکرد زبان را در نقش شناختی آن مطالعه می‌کند و فرض بر این است که ساختار زبان، انعکاس مستقیم شناخت است؛

است، مثلاً ایشان در بخشی از این کتاب به‌طور خاص قواعد گسترش معنا در زبان‌شناسی شناختی را معرفی کرده است؛ البته به نقش این قواعد در نحوه به‌دست‌آوردن معانی حروف دقت نکرده است، هرچند وی در مبحثی دیگر به معناشناسی شناختی حروف نیز اشاره‌ای کرده است که تغییر معنای حروف اضافه را یکی از عوامل برهم‌زننده اصالت تعبیر قرآن می‌داند و در ذیل آیاتی به نقش مفهوم‌سازی حروف می‌پردازد.

خسروی و دیگران (۱۳۹۳) در پژوهش بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن، تصویرسازی‌های قرآن در قالب سه طرح حجمی، حرکتی، و قدرتی را بررسی کرده است که در آن مؤلفان طرح‌های تصویری عبارات قرآنی را مدنظر قرار داده و از حروف سخنی به میان نیامده است. اثر دیگر در این رابطه ایمانی و منشی زاده (۱۳۹۴) در مقاله بررسی شبکه معنایی حرف «فی» اهمیت آن در ترجمه قرآن از منظر معنی‌شناسی شناختی، با تکیه بر معنای مکانی و کانونی حرف «فی» سایر معانی زمانی، انتزاعی، استعاری و مجازی را منشعب از معنای پیش‌نمونه این حرف می‌داند و کاربردهای حرف «فی» که به این طریق بسط یافته‌اند، از قرآن استخراج کرده و در پایان با تحلیل‌هایی به چگونگی معادل‌آوری برای این حرف در زبان فارسی توجه داشته است. نقص این مقاله نیز معرفی نکردن قواعد دستیابی به شبکه‌های معنایی حروف است؛ اما آثاری دیگر با هدف تبیین شناختی معنای حروف به رشته تحریر در آمده است که اکثراً بعد شناختی حروف در زبان فارسی را نقد و بررسی کرده‌اند. نمونه‌هایی از آن آثار چنین است: گلفام و دیگران (۱۳۸۸) در مقاله بررسی حرف اضافه «از» در

مکانی‌اش است که باید برای هم □□ فیله‌هی تعدد قرآن این معانی اضافه مدنظر قرار گیرد. اکنون پس از معرفی معنای پیش‌نمونه با برشمردن قواعد گسترش معنا در زبان‌شناسی شناختی برخی از معانی این حرف را با استخراج آیاتی از قرآن ارائه و حرف «عن» بر اساس این قواعد تحلیل شناختی می‌شود.

۲. تحلیل شناختی حرف «عن» با محوریت معنای

پیش‌نمونه

گام نخست در معناشناسی شناختی حرف «عن» تشخیص معنای اولیه و سپس معنای ثانوی آن است که در این رویکرد، از طریق سازوکارهایی چون انطباق، منطقه فعال، پویایی معنا، بسط و توسعه می‌یابد و در یک شبکه معنایی قرار می‌گیرد و با دیگر معانی مرتبط می‌شوند. در معناشناسی شناختی یکی از ملاک‌های تشخیص معنای اولیه، غلبه و چیرگی یک معنا است که کاربران زبان آن را تأیید می‌کنند (رک: صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۳). با مراجعه به منابع اولیه و کاربران زبان، می‌توان گفت: مشهورترین و کانونی‌ترین معنای «عن»، «مجاوزت و سیر» است که نشان‌دهنده عبور از مکان یا زمان یا امری (مجاوزت) است؛ یعنی فاعل فعل قبل چیزی را با فعل خود از مجرور گذرانده است. برای نمونه در آیه «تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ» (سجده/۱۶) «پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می‌شود»، حرف «عن» به معنای کانونی‌اش به کار رفته و معنای سیر و مجاوزت لحاظ شده است که این معنای اصلی و مرکزی حرف «عن» است؛ چراکه حرف عن تجاوز «جنوب» را از «مضاجع» که مکان فیزیکی است نشان می‌دهد، گویی پهلوها از بسترها کنده می‌شود و از آن می‌گذرد که مفهوم‌سازی آن به شکل زیر است.

به این معنا که یک عبارت زبانی خاص با نوع خاصی از مفهوم‌سازی یک رویداد خاص مرتبط می‌شود (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۵، ص ۳۴). نگرا و لیکاف را می‌توان بنیان‌گذاران این شاخه زبان‌شناسی به حساب آورد. یکی از دلایل مهم این زبان‌شناسان این است که زبان منعکس‌کننده الگوهای اندیشه و ذهن انسان است؛ بنابراین مطالعه آن، مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی است (شریفی، ۱۳۸۸، ص ۲).

بر این اساس بین قوای شناختی فرد و معانی زبانی او ارتباطی قوی وجود دارد. تایلر و ایوانز بر طبق الگوی چندمعنایی سامان‌مند آن را پایه‌گذاری کردند و سپس در کارهای دیگران گسترش یافت. در الگوی چندمعنایی سامان‌مند، تلاش بر این است که روشی سامان‌یافته و انگیزخته برای واکاوی معنای گوناگون یک واژه چندمعنا ارائه شود. به این منظور باید شیوه‌های روشن و تأییدشده برای شناسایی معنای مجزای حروف که وابسته به بافت نباشند، در راستای شناسایی معنای اولیه آنها در پیش گرفته شود (بامشادی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۶). به همین دلیل زبان‌شناسان شناختی به جای معنا از شبکه شعاعی معنا سخن می‌گویند. در این مدل برای معنا یک نمونه اصلی یا مرکزی به نام «معنای مرکزی» تصور می‌شود. در نتیجه شبکه‌ای از معانی پیدا می‌شود و باید متذکر شد، زبان‌شناسان شناختی با تکیه بر اصل شبکه معنایی بر این باورند که هر واژه دارای یک معنای اولیه و کانونی است که با گذشت زمان و بر اثر کاربرد آن در بافت‌های گوناگون، دستخوش گسترش معنایی می‌شود و معنای تازه‌ای را می‌پذیرد (بامشادی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲).

حرف جر «عَنْ» هم از این قاعده مستثنی نیست و گاهی شامل مفاهیمی اضافه بر مفهوم پیش‌نمونه و

معنای حرف جر «عن» در ترکیب‌های مختلف تغییر یافته است، می‌پردازیم.

۳-۱. انطباق

وقتی واحدهای معنایی کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، جرح و تعدیلی در معنای اجزای همنشین به وجود می‌آورند. لنگاکر برای ایضاح این نکته فعل فویدن را مثال می‌زند. این فعل معمولاً به حرکت سریع حیوانات دارای پا اطلاق می‌شود؛ ولی شیوه دویدن انسان با دویدن اسب و دیگر حیوانات متفاوت است، پس فرایند مدلول این فعل در هر حیوانی انطباق پیدا می‌کند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، صص ۳۱۰-۳۱۱). درحقیقت توصیف‌های بافتی منجر به تغییر و گسترش معنایی یک واژه می‌شوند که در ادامه به نمونه‌هایی از این نوع روش گسترش معنایی با آوردن مثال‌هایی قرآنی از حرف «عن» اشاره خواهد شد.

۳-۱-۱. توصیف همنشینی

برخی واژه‌ها در قرآن به کار رفته‌اند که اگر به بافت یا سیاق همان آیه توجه شود، به معنا یا دامنه معنای آن واژه منتقل می‌شویم. گاهی از روی سیاق آیه می‌توان بافت‌شناسی کرد و از خود متن، معنا یا مراد را کشف کرد (ایزوتسو، ۱۳۷۸، صص ۷۴)؛ به عبارت دیگر، کلمات یا کدهایی که در یک بافت منسجم همچون یک آیه به کار رفته‌اند، می‌توانند با یکدیگر رابطه‌ای هماهنگ داشته باشند؛ به گونه‌ای که از ارجاع بخشی به بخش دیگر در همان آیه می‌توان معنای واژه را به دست آورد که در آن تغییر در بافت کاربردی واژه باعث تغییر معنایی آن می‌شود (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، صص ۲۲۷ - ۲۲۴؛ میه آنتوان، ۱۹۷۶،

ر شکل بل که منظر اعلا ی-ن «ع صدو» بیو کشیده شده است، عنصر متحرک با دایره تیره با نام «مسیرپیما» یا (tr) حرکت خود را آغاز می‌کند، تا اینکه به «مرز نما» (Im) می‌رسد؛ اما در محدوده آن زمینه قرار نمی‌گیرد؛ بلکه از آن می‌گذرد. این صحنه از موقعیت انسان با محیط پیرامونش با معنای اصیل حرف عن شکل می‌گیرد که به آن معنای مرکزی می‌گویند؛ اما گاهی حرکت و گذر شکل متغیر ل بل ی زمینه اتفاق می‌افتد و گاهی از پایین. بنابراین مجاوزت که معنای کانونی حرف «عن» است، تنها ورود به زمینه و گذر از میان آن را نمی‌رساند؛ بلکه مجاوزت ممکن ل بل یا پایین نیز صورت بگیرد، هرچند در دایره معنایی مفهوم سرنمونی می‌ماند؛ اما در رده پایین‌تری از معنای کانونی قرار می‌گیرد و به تعبیر دیگر عبور عنصر متحرک از میان زمینه نسبت به گذر ل بل یا پایین مرز نما پیش‌نمونه‌ای تر است.

سایر معانی این حرف، با افزایش و کاهش حول این معنا می‌چرخند که در ادامه این معانی با استخراج آیات و تحلیل شناختی آنها و چگونگی گسترش معنایی این حرف در بافت آیات بررسی می‌شود.

۳. قواعد تغییر و گسترش معنا

در تغییر و گسترش معنا در رویکرد شناختی سه مؤلفه تأثیر به‌سزایی دارند که موجب می‌شود معنای یک واژه در بافت‌ها و کاربردهای گوناگون تغییر کند. این سه گزاره، مسئله انطباق، مسئله پدیده فعال و انعطاف‌پذیری هستند. اکنون به توضیح این مؤلفه‌ها و زیرشاخه‌های آنها با شواهدی از قرآن که در آن

ص ۲۲۰). مانند کاربرد حرف عن در این آیه «الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غَنٍ وَقَانُوا لِيَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا» (کهف: ۱۰۱)، همان‌ها که پرده‌ای چشمانشان را از یاد من پوشانده بود و قدرت شنوایی نداشتند که استفاده از حرف «عن» با «فی» و موقعیت‌سازی فعل «کانت» در بافت این آیه باعث تغییر معنای حرف عن از «مجاوزت» به «مانعیت» شده است و در تبیین شناختی آن می‌توان گفت: در این نمونه حرف «عن» با همنشینی با «فی» مفهوم مانعیت را در ذهن تداعی می‌کند؛ زیرا از یک طرف با کاربرد فی مسیریما در محدوده غطاء قرار می‌گیرد و او را از گذر به محدوده ذکر باز می‌دارد و از طرف دیگر کانت موقعیت ایستا را در درون غطاء برای مسیریما ترسیم می‌کند. بنابراین مفاهیم مستخرج از بافت آیه باعث شده است، حرف عن معنای «گذر و مجاوزت» را از دست بدهد و در معنای «مانعیت» گسترش یابد. درحقیقت با همنشینی عن با فی و کانت، معنای مجاوزت به منع حرکت مسیریما به سوی محوطه ذکر و شنیدن کلام حق منتقلت دارد.

۳-۱-۲. رابطه جانیشینی

اگر نسبت مفردات را در محور عمودی پی بگیریم، معنا یا معانی دیگری برای کلمه از طریق جانیشینی به دست می‌آید. اگر واژه «الف» جانشین واژه «ب» در بافت یکسان و مشابه شود، این جانیشینی به لحاظ معناشناسی جایگاه مهمی دارد؛ زیرا در کشف معنا یا مراد، نقش اساسی ایفا می‌کند و در بسیاری از نمونه‌ها می‌تواند از نظر معناشناسی تأثیرگذار باشد (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۷۷؛ قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، صص ۲۲۷ - ۲۲۴). در قرآن کریم نمونه‌هایی

از کاربرد حرف عن وجود دارد که تفاوت آنها در جانیشینی حروف به جای یکدیگر یا طرز قرارگرفتن مسیریما و مرزنا است که در ادامه برای روشن کردن این روش گسترش معنایی نمونه‌هایی از آن تحلیل شناختی می‌شود، مانند:

«...يُحَلِّفُونَ نَارًا..» عملاذ: (۱۳)، سخنان (خدا) را

از مواضع خود تحریف و جابه‌جا می‌کردند.

«...يَجْرُلُونَ فِي مَفَاظٍ بَعِيدَةٍ..» عملاذ: (۴۱۵)، آنها سخنان

را از مفهوم اصلیش تحریف می‌کنند.

با کاربرد عن، در آیه اول گذر کلام از جایگاهش مدنظر خداوند است؛ یعنی اینکه قبل از آنکه کلام در جایگاهش استقرار یابد، آن را تغییر می‌دادند؛ بنابراین معنای عن در این نمونه «قبل از» است؛ زیرا طبق تصویری که عن در این آیه ایجاد می‌کند، مواضع، فضای مکانی است که باید کلام درون آن قرار می‌گرفت. اما یهودیان کلام را قبل از استقرار در جایگاه و فضا آن عبور دادند، با این توضیح ممکن است منظور تحریف هنگام نوشتن و نسخه‌برداری از کلام خداوند باشد؛ زیرا با آنکه می‌دانستند جایگاه کلام کجاست، آن را از آن موضعش عبور می‌دادند. با این توضیح، نظر برخی از مفسران که تحریف تفسیری را هم از این آیه نتیجه گرفته‌اند، خدشه‌دار است؛ چراکه در این رابطه می‌گویند: یحرفونه الکلم عن مواضعه؛ یعنی: ۱- تفسیر نادرست؛ ۲- تغییر و تبدیل‌هایی که در عبارات رخ می‌دهند و کلامی که از خدا نیست را از خدا می‌دانند. حتی برخی چون فخر رازی، تحریف تفسیری را بر تحریف لفظی رجحان دادند (رک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۳۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۲۷۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵۰، ص ۲۴۰). اگرچه برخی دیگر از مفسران چون مکارم شیرازی، این آیه را مطابق تصویری که از آن بر می‌آید، تفسیر

نمونه دیگری که منجر به بسط و توسعه معنا در حرف عن به این روش شده است، در این آیات دیده می‌شود که در آنها در تعبیری یکسان با رابطه جانشینی جایگاه مرزنها متحول شده است و همین موضوع سبب توسعه معنای حرف عن شده است:

﴿تَبِعَ مَا نُوحِيَ لِمَلِيٍّ مِنْ رَبِّكَ الْإِلَهِيٍّ هُوَ وَأُخْرِيٍّ عَنِ﴾ (انعام: ۱۰۶)، از آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو وحی شده پیروی کن، جز او هیچ معبودی نیست و از مشرکان روی برتاب.

«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ﴾ (اعراف: ۱۹۹)، عفو و گذشت پیشه کن و به کار پسندیده فرمان ده و از نادان‌ها روی برتاب.

«... فَإِنْ جَاؤُ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْ ...» (مائده: ۴۲)، پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار.

در این سه آیه حرف «عن» موقعیت یکسان مسیریما (پیامبر «ص» را برای گذر از مرزنها می‌توان نوعی رابطه جانشینی بین این سه آیه قایل شد. در واقع بین سه مفهوم «مشرکان» و «جاهلان» و «برخی از یهودیان» مشترکاتی از جمله نافرمانی از خدا و رسولش وجود دارد، چنانکه اعراض پیامبر (ص) از این سه فرقه می‌گذرد و آنها به این دلیل که مشمول روی‌گردانی پیامبر شده‌اند، به هم پیوند می‌خورند. گویی هر یک از این گروه می‌توانند مصداقی برای گروه دیگر باشد، برای مثال مشرکین و آن گروه یهودی مصداقی از جاهلین تلقی شوند؛ زیرا آنها نیز به یگانگی خدا یا نسبت به حقانیت رسول اکرم جاهل بودند؛ بنابراین نقش حرف عن ایجاد رابطه جانشینی بین این سه

می‌کند و در این راستا می‌گوید: آنها کلمات را تحریف می‌کنند و از محل و مسیر آن بیرون می‌برند و نیز قسمت‌های ملاحظه‌انگیزی از آنچه به آنها گفته شده بود را فراموش می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۱۲)؛ اما در آیه ۴۱ مانده که «من بعد» جانشین «عن» شده است، هر چند به لحاظ تفسیر شناختی همانند آیه قبل ناظر به تحریف لفظی است نه تحریف تفسیری؛ به این دلیل که باز هم از قرارگرفتن کلام در مکان و جایگاهش سخن رفته است و مفسران هم همان خطاهایی که درباره آیه اول داشته‌اند، در اینجا نیز تکرار کرده‌اند؛ زیرا که اکثراً از تغییر و تبدیل حکم سخن گفته‌اند (رک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۳۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۸)؛ اما به لحاظ تغییر در نوع کاربرد حرف که در آیه اخیر به جای عن، «من بعد» جایگزین شده است، مشخص است آیات ابتدا در جایگاهشان مستقر شده‌اند و بعد از آن از جایگاهشان تحریف شده‌اند؛ چراکه حرف من، آغاز حرکت آیات را چون مسیریمایی از محلشان نشان می‌دهد.

چنانکه ملاحظه شد، خداوند در تعبیری یکسان صرفاً با جانشینی حروف به جای یکدیگر صحنه‌های مختلفی از تحریف کتاب مقدس را آشکار می‌کند؛ چنان‌براین ون حرف عن و گذر و جملوت و لیت دارد، زمانی را نشان می‌دهد که هنوز آیات در جایگاهشان مستقر نشده‌اند که در این هنگام دچار تحریف می‌شوند و مسیریما با حالت تحریف بر آنها گذر می‌کند و نمی‌گذارد در جایگاهشان قرار بگیرند؛ بنابراین معنای حرف عن از مفهوم مجاوزت صرف به مفهوم گذر و عبور به همراه اشاره به زمانی خاص گسترش یافته است.

نظم منسجم سوره و کل قرآن مختل خواهد شد (بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۹). مانند زمانی که حرف «عن» در آیه‌ای به کار می‌رود که جایگزین کردن حرفی دیگر در مقام آن باعث به هم ریختن مفهوم آیه می‌شود. برای مثال به این آیه دقت کنید: «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ لَأَبِيهِ إِلَّا عَن» (توبه: ۱۱۴) و استغفار ابراهیم برای پدرش، فقط به خاطر وعده‌ای بود که به او داده بود.

درباره معنای «عن» گفته شده که معنای تعبیر «بعن موعده»، «لجل موعده لتت ؛ بناو» این توجه به مفهوم‌سازی این حرف، زمینه ابراهیم (ع) در موقعیت استغفار «موعده» تلقی شده تا نشان‌دهنده این مطلب باشد که منشاء استغفار حضرت وعده است که این مفهوم از همراهی عن با مفهوم لم برداشد ملت شود؛ اما ارتباطش با معنای پیش‌نمونه این‌طور تبیین می‌شود، مسیریما که ابتدا در این زمینه بود، به دلیل اطمینان به اینکه آزر دیگر ایمان نمی‌آورد از آن محیط می‌گذرد و دیگر تحقق وعده‌اش را دنبال نمی‌کند. در این راستا ذکر یک نکته ضروری است، مکارم شیرازی این آیه را این‌طور تفسیر می‌کند که: «استغفار ابراهیم برای پدرش (عمویش آزر) به خاطر وعده‌ای بود که به او داد؛ اما هنگامی که برای او آشکار شد که وی دشمن خدا است، از او بیزاری جست و برایش استغفار نکرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۵۶). حال جای این سوال باقی است آیا تا قبل از وعده‌دادن، حضرت ابراهیم نمی‌دانست که عمویش مشرک است که به او وعده داد؟ بنابراین بهتر است چنین تفسیر شود، همین‌که از ایمان آوردن وی مأیوس شد از او بیزاری جست، چنانکه برخی از مفسران نیز به آن اشاره داشته‌اند و در رویکرد شناختی نیز تفسیر

مرزما است. بنابراین می‌توان گفت: معنای حرف عن در این نمونه از معنای «مجاوزت» به «بی‌اعتنایی» توسعه یافته است؛ زیرا در معنای مجاوزت و عبور معنای بی‌اعتنایی نهفته است.

همان‌طور که توقف معنای «توجه» را به همراه دارد، به این ترتیب پیامبر (ص) مأمور شدند، تا با بی‌اعتنایی به رفتار و گفتار این سه فرقه از کنار آنها بگذرد و به آنها توجه نکند. بنابراین «عن» که در نمونه نخست گذر پیامبر (ص) را از محیط مشرکان و در آیه بعد از محیط جاهلان و در نمونه سوم از طایفه‌ای از یهودیان نشان می‌دهد اگر با رویکرد تلفیق مفهومی به این آیات نگریسته شود، این سه مفهوم متفاوت می‌توانند به یک مفهوم تبدیل شوند؛ زیرا می‌توان بین این سه فرقه که به پیامبر (ص) امر شده است، به آنها بی‌اعتنا باشد، اشتراکات زیادی را پیدا کرد، در نتیجه هدف از چنین این شکلی کلمات که تشابه تقریبی عبارات را نشان می‌دهد، جایگاه یکسان این سه فرقه نزد خداست که هر سه را مستحق روی گردانی پیامبرش می‌داند.

۳-۱-۳. انتخاب واژه

قرآن دارای یک نظام منسجم برتر است. از یک سو در این کتاب برای افاده یک معنا یا مراد، واژه‌ای خاص در نظر گرفته شده است و از سوی دیگر، این انتخاب به دست پیام‌دهنده‌ای همانند خدا صورت گرفته که خالق وجود و متن است و به تمام زوایا و سطوح آن دو واقف است. بنابراین گزینش یک کلمه به گونه‌ای صورت گرفته است که برای آن جایگزینی نمی‌توان در نظر گرفت و اگر لفظی جانشین شود، نه تنها معنای آیه تغییر می‌کند؛ بلکه در ساحتی □□ تر،

مشارکت دارند، تنها ابعاد خاصی از آنها به طور مستقیم با هم در ارتباطند. مثلاً وقتی گفته می‌شود: «ماشین را تعمیر کردم» یا گفته می‌شود: «ماشینم را شستم» یا زمانی که جمله «ماشینم در تصادف فقط خراش برداشت» را به کار می‌بریم، هریک از این جمله‌ها به وجوه و بخش‌های مختلفی از «ماشین» مربوط می‌شوند. در جمله اول فقط بخش مکانیکی ماشین تعمیر شده است، در جمله بعدی فقط سطح فلزی آن شسته شده است و در جمله آخر هم بخشی از بدنه آن خراش برداشته است.

این پدیده نشان می‌دهد که هر واژه در حقیقت با مجموعه‌ای از اطلاعات یا با حوزه‌ای از اطلاعات به هم پیوسته ارتباط دارد و در هر بافتی بخشی از آن فعال می‌شود (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، صص ۳۱۱-۳۱۲). در این موضع به آن دسته از آیاتی اشاره می‌شود که کاربرد حرف عن در آنها در هر کدام از آن آیات نشان‌دهنده رخداد خاصی است.

۳-۲-۱. طراحی صحنه متفاوت

گاهی نحوه قرارگرفتن حرف «عن» در جملات باعث طراحی صحنه‌های متفاوتی از یک موقعیت خاص می‌شود، مانند کاربرد این حرف در آیات ذیل که در آن دو صحنه کاملاً مجزا از داستان حضرت آدم به نمایش در آمده است:

«... وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبِّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِنَّهٗ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (آل عمران: ۲۰) و گفت: پروردگارتان شما را از این گیاه نهی نکرد، مگر به خاطر اینکه (اگر از آن بخورید)، فرشته خواهید شد یا جاودانه خواهید بود!

اخیر تأیید می‌شود؛ زیرا حضرت به دلیل اشتیاق به هدایت عمویش درصدد ماندگاری در زمینه وعده‌دادن است؛ اما وقتی ایمان‌نیوردن او برای ایشان آشکار شد، از آن محیط گذر می‌کند و دور می‌شود؛ به این ترتیب این حرف گذر مسیریما را از مرزما (موعده) نشان می‌دهد.

۳-۱-۴) تقابل معنایی

این اصطلاح را برای معانی متضاد و متقابل به کار می‌برند که یکی از ویژگی‌های نظام‌مند زبان است و واژه‌هایی را که در تقابل معنایی با یکدیگر قرار می‌گیرند «متضاد» یکدیگر می‌نامند (صفوی، ۱۳۸۱، صص ۱۳۶-۱۳۷). بر همین اساس گاهی حرف عن تقابل معنایی مسیریما و مرزما را نشان می‌دهد.

فانند: «فَأَعْرَضُ عَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ كَرْنَا وَلَمْ نُؤَدِّ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (نجم: ۲۹)، حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی می‌گرداند اعراض کن. در این نمونه حرف «عن» بیان‌کننده تقابل بین IM و TR است. مخاطب این آیه «پیامبر(ص)» است که مسیریما جمله است و در طرف دیگر «مشرکان» در جایگاه مرزما قرار دارند، به این ترتیب حرف «عن» نشان‌دهنده رابطه تقابلی آنها است که بر اثر غفلت از یاد پروردگار این تقابل ایجاد شده است؛ بنابراین گسترش معنایی این حرف در جهت متعارض نشان دادن عنصر متحرک و زمینه‌اش مفهوم‌سازی شده است.

۳-۲. منطقه فعال

فر جمله‌های زبانی معمولاً با پدیده‌ی منطقه معل روبرو هستیم. وقتی دو چیز در یک موقعیت با هم

«...وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ نَأْتِيَنَّكُمَا مِنْ لَدُنْهَا وَتَكُونَا حَادِيَيْنِ» (مر: ۲۲) و پروردگارشان آنها را ندا داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است.

در این دو آیه دو صحنه متفاوت از یک رخداد، یعنی نهی از نزدیک شدن آدم و حوا به درخت ممنوعه بازنمایی شده است و هرکدام قسمتی از این صحنه را گزارش می‌دهد که در تبیین شناختی آن می‌توان گفت: در آیه نخست که مرزنامی «عن» هذّه شجره است، در لحنی خطاب‌ی شیطان به آدم و حوا می‌گوید: خداوند شما را از این درخت نهی نکرد؛ بنابراین مشخص است که آدم و حوا و همچنین شیطان نزدیک به درخت هستند که وسوسه شیطان مبنی بر گذر آن دو بر درخت ممنوعه است؛ اما در آیه دوم که خداوند آدم و حوا را مخاطب قرار داده است، از اسم اشاره تلکما به همراه شجره که مرزنامی است، استفاده می‌کند که این صحنه گزارشگر زمانی است که شیطان آن دو را اغوا می‌کند و آنها بر درخت ممنوعه گذر کردند و درواقع از فرمان خداوند تجاوز کرده‌اند و خداوند با لحنی توأم با سرزنش آنها را خطاب می‌کند و چون آنها به وسوسه شیطان عمل کردند، از مقام قرب خداوند دور شدند. چنانکه علامه نیز به آن اشاره کرده است و چنین تفسیر می‌کند: برای اینکه «ندا» به معنای صدازدن از دور است، همچنانکه «تلکما» هم که در «تِلْكَ الشَّجَرَةِ» است، لُحْنًا را دارد که آنها از مقام قرب دور شده‌اند؛ زیرا این کلمه نیز برای اشاره به دور است، به‌خلاف «هذّا» که برای اشاره به نزدیک است و بنابراین در ابتدای ورود آدم به بهشت و قبل از اینکه آدم و حوا

واغوا شوند، خداوند آنها را چنین خطاب می‌کند: «تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۳۴).

۳-۲-۲. ارائه چشم‌انداز

گاهی گوینده کلام به‌منظور ساخت معنای جدید و ارائه چشم‌اندازهای گوناگون از یک صحنه، جایگاه حروف در عبارات را تغییر می‌دهد؛ بنابراین چینش و گزینش کلمات را به‌گونه‌ای انجام می‌دهد که میان دو حرف در مواضع مختلف رابطه تضاد برقرار شده است و طرح‌واره‌های متضادی از آن صحنه ارائه می‌شود، مانند زمانی که گفته می‌شود: «کوره با شیب کندی ز بلبلوه به دره سرل کیرد» (یاقته فی گفته می‌شود: «کوره راه با شیب تند ز دره به بلبلوه کوه صعود می‌کند» که هر دو جمله موقعیت واحدی را از دو چشم‌انداز متفاوت گزارش می‌دهند (رک: ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۷۶؛ قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۶۴). چنانکه چینش واژگان و انتخاب حروف در آیه زیر با این رویکرد انجام می‌شود و از موقعیت نگهبان بودن فرشتگان از اعمال انسان چشم‌اندازهای مختلفی را با حرف عن تبیین می‌کند، مانند:

«إِذْ يَتَلَفَّىٰ عَنِ وَعَنِ قَعِيدٍ» (ق: ۱۷)، هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند، اعمال او را دریافت می‌دارند.

در اینجا کاربرد حرف عن به‌جهت گزارش صحنه تجاوز و عبور دو فرشته نگهبان اعمال بر دو سمت انسان است، درواقع «عن» در این آیه صرفاً ناظر به نمایش‌دادن صحنه‌ای است که دو فرشته پیوسته در اطراف انسان حرکت می‌کنند؛ البته این صحنه را از دو چشم‌انداز و نمای مختلف گزارش می‌کند. در نمونه اول موقعیت مسیریما در جهت راست

۱۳۹۰، صص ۳۱۲-۳۱۳). با تکیه بر این دیدگاه توسیع معنایی حرف عن را در قرآن می‌توان در سه شبکه تحلیل و بررسی کرد.

۳-۱. شبکه شعاعی هم‌معنایی

این شبکه معنایی از طریق توسعه حقیقی به بسط و توسعه معنایی حرف «عن» کمک می‌کند؛ به این ترتیب یک واژه ممکن است علاوه بر معنای سرنمونی معانی سایر حروف را به‌طور همزمان افاده کند. برای ایضاح سخن به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم و آن را با شاهد مثال‌های قرآنی تحلیل شناختی خواهیم کرد.

بر اساس کتب مختلفی ون □□ تقان و مغنچ کلبیب این حرف علاوه بر معنای کانونی ه □□ لت بر «مجاوزت و عبور» دارد، هم‌معنایی با سایر حروف چون ترادف با «علی»، «□□ م تع□□ لی»، «عد □□ ب □□ فی»، «من □□»، «باء» را هم با نام پرتوهای از معنای خود پذیرفته است (حسینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۱۰ - ۲۲۳؛ شرتونی، ۱۴۲۹، ص ۳۶۳، سیوطی، ۱۳۹۲، صص ۱۷۰-۱۷۲) که در ادامه با تکیه بر مثال‌های قرآنی برخی از آنها را تحلیل شناختی خواهیم کرد. از جمله در آیه ۳۲ سوره ص که می‌فرماید: «فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ عَن حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» گفت: «من این اسبان را به‌خاطر پروردگار دوست دارم، تا از دیدگانش پنهان شدند. گفته می‌شود که کلمه «عن» به معنای □□ م است و منظور سلیمان (ع) این است که: من محبتی را که به اسبان دارم ایثار و اختیار می‌کنم بر یاد پروردگار یعنی نماز. در نتیجه وقتی اسبان را بر من عرضه می‌دارند، از نماز غافل می‌شوم تا خورشید غروب می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷،

صحنه تصویرسازی شده است و در نمونه دوم زاویه دید ناظر تغییر می‌کند و مسیرپیما در سمت چپ مرزنا قرار دارد و ما می‌دانیم وقتی شخصی همواره از جهات مختلف تحت کنترل قرار می‌گیرد، در واقع تحت حراست و نگهبانی آنها قرار گرفته است؛ از همین رو خداوند برای فهماندن مفهوم «حفظ و نگهداری اعمال به‌دست فرشتگان» با حرف عن گذر و عبور فرشته‌های نگهبان را از دو جهت راست و چپ او تصویرسازی می‌کند تا با ارائه چشم‌اندازهای مختلف از این صحنه و درحقیقت با تکیه بر این صحنه به ساخت مفهوم حفظ و حراست منتقل شود و تغییر معنایی حرف عن نمود یابد و چون معنا چشم‌اندازی خاص به جهان خارج است، هرگاه چشم‌انداز تغییر کند، به تبع آن معنا نیز تغییر می‌کند.

۳-۳. انعطاف‌پذیری و پویایی معنا

یک قلمرو ترکیبی از معارف است که با توصیف معنا ارتباط دارد. گاهی برای تعیین یک چیز باید به قلمروهای مختلفی از معارف اشاره کرد، برای مثال باید به رنگ، اندازه و طعم آن اشاره کرد که هر یک به قلمروی خاصی از معارف تعلق دارد. مجموعه این قلمروها برای تعیین معنای آن چیز یک شبکه معنایی را تشکیل می‌دهد. این شبکه‌های معنایی موجب می‌شوند که معنا انعطاف‌پذیر باشد و در سیاق‌های مختلف بخش خاصی از اطلاعات برجسته شود. این رویکرد باعث شده است، زبان‌شناسان شناختی یک معنا را معنای کانونی در نظر بگیرند و معانی دیگر را شعاع‌ها و پرتوهای معنای مرکزی به حساب آورند که این شبکه‌های شعاعی معنا ابزاری برای تولید معانی جداگانه از معنای کانونی نیستند (قائم‌نیا،

می‌کند، بدن خود را مظروفی تلقی می‌کند که می‌تواند در ظرف‌های انتزاعی قرار گیرد (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۶۸) که در نمونه‌هایی حرف عن به این طریق گسترش معنایی یافته است، چنانچه کارکرد این حرف در آیه روبرو ترسیم طرح حجمی است: «كَلَّا عَنْ يَوْمئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ» (مطففین: ۱۵)، هرگز چنین نیست قطعاً در آن روز آنان از (ملاقات) پروردگارش منع شده‌اند. در این آیه مکذوبین با انجام گناه در این دنیا حصارى به دور خود ایجاد کرده‌اند که آنان را از ادامه مسیر و رسیدن به پروردگار در روز قیامت باز داشته است. به تعبیر دیگر همه انسان‌ها در ابتدا فطرتاً گرایش به تقرب دارند؛ ولی در ادامه راه از حرکت باز می‌مانند و وارد محیط تقرب که هدف خلقتشان است، نمی‌شوند و از ملاقات پروردگارش در حجم و فضای حجاب از ایشان می‌مانند.

نمونه دیگر گسترش معنایی حرف عن به این طریق در این آیه است که می‌فرماید: «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَن ...» (فاطر: ۳۴) و می‌گویند: ستایش مخصوص خدایی است که اندوه را از ما برطرف ساخت. در واقع وجود انسان حجمی را تشکیل داده که غم در مسیر حرکتش در آن جای گرفته است؛ اما با توجه به موقعیت «اذهب» سرانجام غم از درونشان خارج می‌شود و با این خروج از غم به حمد و سپاس خدا می‌پردازند. با این تفسیر مشخص می‌شود که قطعاً آنها با اموری غمگین بوده‌اند؛ اما در ادامه خداوند بر آنها منت گذاشت و غم را از آنها زدود.

وسیرپیما از «ساق» ه مرز نمالت ، بلل زده م کورشد موجب عریان شدن آن می‌شود؛ بنابراین حرکت و سیر ثلباس از پا از سمت پایین به ت بللوس تیمده است که نتیجه آن آشکار شدن پا و ساق است. طبق برخی از تفاسیر که از این آیه ارائه شده است، منظور کشف حجاب از اصل و اساس چیزی (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۳۷). گویی نتیجه این کنار رفتن حجاب، آشکار شدن اعمالشان است که کار را برایشان سخت کرده است؛ بنابراین حرف «عن» علاوه بر مجاوزت نحوه حرکت و مکان مرزنا را نیز مشخص کرده است و همین باعث تغییر این طرح‌واره از طرح‌واره اصلی شده است و در نتیجه گسترش معنایی پیش‌نمونه را با این رویکرد بیان کرده است.

نمونه دیگری که حرف عن برای نشان دادن حرکت افقی به کار رفته در این آیه است: «...وَأَضَلُّ عَن» (مائده: ۶۰) و از راه راست، گمراه‌ترند. که در اینجا ایمان چون راه مستقیمی تصویرسازی شده است که افراد گمراه به جای حرکت در این راه مستقیم از آن منحرف شده‌اند، درحقیقت خداوند برای ملموس کردن ایمان و بی‌ایمانی از واژه‌هایی چون سواء السبیل و اضل استفاده کرده است که در تجارب روزمره مخاطبان بر حرکت و گذر اشیاء متحرک دلالت دارند؛ از این رو، ایمان راه مستقیمی تصویرسازی می‌شود که عن حرکت و گذر مسیرپیما را در جهتی مخالف این راه نشان می‌دهد تا بی‌ایمانی و انحرافشان را از راه ایمان مفهوم‌سازی کنند.

۳-۲-۳. طرح‌واره حجمی

یکی از انواع طرح‌های تصویری طرح حجمی است. انسان از طریق تجربه قرار گرفتن در اتاق، تخت، خانه، غار و دیگر جاهایی که حکم ظرف پیدا

۳-۲-۳-۳. طرح‌واره قدرتی

در برخی آیات که با حرف عن همراه شده‌اند، مسیریما دارای قدرت و نیرویی است که مرزما با نیروی مانعیت باعث ازبین‌رفتن نیروی مسیریما می‌شود، انگار حرکتی در مسیریما وجود دارد؛ اما شرایطی به وجود می‌آید که در برابر این سیر و عبور نیرویی مقاومت می‌کند و جلوی حرکت را می‌گیرد و به این ترتیب طرحی از این برخورد فیزیکی در ذهن انسان پدید می‌آید که تداعی‌گر طرح قدرتی است (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۶۹). مانند این شاهد مثال قرآنی که به این منظور سامان یافته است: «وَقَالَ مَا نَهَكُمَا رَبُّ عَنِّ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَکَیْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِیْنَ» (اعراف: ۲۰) و گفت: پروردگارتان شما را از این گیاه نهی نکرده است، مگر به خاطر اینکه فرشته خواهید شد، یا از جاودانگان خواهید بود. گویا درخت سد و مانعی است که خداوند بر سر راه حضرت آدم قرار داده است که نباید به آن تجاوزی صورت گیرد؛ اما با وجود نهی از تجاوز که با عبارت «مَا نَهَكُمَا» و کاربرد «عَن» مشخص شده است، شیطان آنها را وسوسه می‌کند و آنها با قدرتی که از وسوسه شیطان به دست می‌آورند، این مانع را کنار می‌گذارند، بر امر ارشادی خداوند تجاوز می‌کنند و از ظالمان کسانی که خود را به زحمت انداخته‌اند (رک: عاملی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۳۱؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۵) می‌شود.

۳-۳-۳. شبکه شعاعی استعاره‌ای

گاهی حرف «عَن» از طریق توسیع استعاره‌ای بسط و گسترش معنا را به دنبال دارد. این نوع توسعه در شمار توسعه‌های مجازی یک واژه قرار می‌گیرد و در

تعریف آن می‌توان گفت: استعاره‌ها تناظر یک به یک «مفهوم‌ها» و انطباق حوزه مفهومی مبدأ با حوزه مفهومی مقصد محسوب می‌شوند. به تعبیر دیگر، تعداد مفاهیمی هستند که خارج از حوزه مکان است و از طریق مکان‌مندی در اذهان جریان می‌یابند، پس در استعاره یک قلمرو مفهومی با قلمرو دیگر درک می‌شود (کردزعفرانلو، حاجیان، ۱۳۸۹، صص ۱۲۰-۱۲۴). در واقع معانی استعاره‌ای این حرف حامل یک معنای اضافی نسبت به معنای پیش‌نمونه است، از همین رو همچون مفاهیمی متفاوت در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین در خوشه استعاره‌ای یک حوزه پیچیده و انتزاعی با حوزه مکانی و ساده‌تر درک می‌شود که برای تبیین آن به نمونه‌هایی از این نوع توسعه معنا در حرف عن پرداخته می‌شود.

یکی از مفاهیم حرف عن که با بسط استعاره‌ای به دست می‌آید، جانشینی است. در این مفهوم حرف «عَن» به معنای به جای و در عوض به کار رفته است. همانند فرموده خدای متعال در آیه: «أَتَقُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَجْزِي عَن شَيْئَا» (بقره: ۴۷) و از (عذاب) روزی حفظ کنید که هیچ‌کس به جای شخص (دیگری) چیزی (از عذاب) کيفر نمی‌شود. کاربرد حرف «عَن» در این نمونه گذر نفس اول و جایگزین شدنش را به جای نفس دوم نشانه‌گذاری می‌کند. گویا حکایت از خواسته انسان‌ها دارد که دوست دارند، دیگران بار مجازاتشان را به عهده بگیرند؛ اما این اجازه به آنان داده نمی‌شود؛ بنابراین نفس اول نمی‌تواند تجاوزی به حریم نفس دوم داشته باشد و عذابی و نیازی را از دیگری برطرف کند و موجب شفاعتش شود، گویا انسان‌ها گمان می‌کنند شرایط زمانی و مکانی آخرت چون دنیا است و همان‌طور که نظام زندگی دنیا بر

با «ما» این خلاقیت در کلام از پیامبر (ص) نفی شده است؛ بنابراین این معنای حرف عن، چون به ایجاد و شروع مسیریما از مرزما اشاره دارد؛ درحالی که معنای پیش‌نمونه آن مجاوزت است، در خوشه استعاری جای می‌گیرد.

البته معنای استعاری حرف «عن» بیش از این نمونه‌ها است، مثلاً مفاهیمی چون «دربرابر»، «برعهده»، «وظیفه»، «متعلق به»، «به‌علت» و... را نیز به این روش کدگذاری می‌کند؛ اما چون هدف ما معرفی قواعد گسترش معنا در حروف قرآنی است، از شرح و تحلیل همه نمونه‌های آن معذوریم.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی حرف «عن» در قرآن با رویکرد معناشناسی شناختی به آشکارشدن ویژگی‌های زبان‌شناسی متن قرآن کریم کمک شایانی کرده است. آنگونه که ملاحظه شد، با این رویکرد حرف «عن» به مفاهیم ذهنی اشاره دارد و در تبیین معانی آن نمی‌توان صرفاً به لفظ و معنای لفظی تکیه کرد؛ بلکه در نگاه‌شناختی، این حرف نشان‌دهنده رابطه بین شکل و پایه جمله است؛ بنابراین در بررسی قواعد گسترش معنایی آن باید تأثیر این حرف بر TR و IM مدنظر قرار گیرد، تا معنای دقیق‌تر و نزدیک به هدف گوینده کلام مشخص شود. کاربرد حرف «عن» در همه نمونه‌ها و بافت‌های گوناگون یکسان نیست؛ بلکه کارکردهای متفاوت آن بر اساس قواعد گسترش معنا توسعه‌پذیر است که در فهم و تفسیر قول توجه به آنها لازم و ضروری است. در رویکرد سنتی زبان به چندمعنایی حروف اشاره می‌شود و هرکدام از این معانی را در کاربرد جدیدش با نام

اساس اسباب و وسائط و شفاعت سامان می‌گیرد، عذاب روز قیامت هم به‌همین شیوه سامان می‌یابد که خداوند این گمان را با عبارت «تَجْزَىٰ ۖ كَلِمًا» «عن» نفی می‌کند. معنای شناختی که از حرف عن اراده می‌شود، این تفسیر را از آیه به دست می‌دهد که با این نگاه تفسیری علاوه بر معنای بدلیت، اصالت معنای حرف عن نیز حفظ می‌شود.

مفهوم دیگری که به روش استعاری از حرف عن برداشت می‌شود، مقایسه است. در این معنای استعاری با حرف «عن» شیء متحرک در یک ویژگی خاص با یک زمینه ثابت مقایسه و سنجیده شده است (رک: زاهدی و محمدی زیارتی، ۱۳۹۰، ص ۷۴)، مانند کاربردش در این آیه:

«أَوْ بِمَا كَسَبُوا وَ عَن كَثِيرٍ» (شوری: ۳۴). در این آیه مقایسه‌ای بین دو فعل خداوند یعنی «هلاکت و نابودی» و «بخشش» انجام شده است که با حرف عن «کثرت»، زمینه عفو و بخشش قرار گرفته است، تا وجه تمایز این افعال در زمینه فراوانی عفو مفهوم‌سازی شود؛ بنابراین این نکته برداشت می‌شود که بخشش و عفو خداوند از هلاکتش بیشتر است؛ زیرا گذر «عفو» از زمینه «کثیر» اتفاق افتاده است.

یکی از مفاهیم انتزاعی و استعاری حرف «عن» آفرینش و تولید است که در این آیه به آن اشاره شده است. «وَمَا عَنِ» (۳/نجم) و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید.

در آیه فوق مفهوم خلق و تولید کلام از پیامبر (ص) نفی می‌شود و آن را به خدا نسبت می‌دهد. به‌تعبیردیگر، نشأت‌گرفتن و شروع حرکت و عبور نطق را از محیط هوای نفس نفی می‌کند، پس حرف «عن» رابطه خلق و تولید را به همراه دارد که

- معنای اصلی تلقی می‌کنند؛ اما طبق بررسی انجام‌شده در این مقاله، در حرف «عن» یک معنا با نام معنای مرکزی و پیش‌نمونه‌ای شناخته می‌شود که همان «مجاوزت و گذر» است و محور و نقطه اجتماع سایر معانی این حرف محسوب می‌شود؛ از این رو برای نشان‌دادن بسط و گسترش معنای پیش‌نمونه‌ای به سایر معانی، نیاز به یک مجموعه قواعد و اصول شناختی است؛ زیرا در قرآن کریم چگونگی فضاسازی حرف «عن» نکته بسیار مهمی است که در این نوشتار بر اساس قاعده انطباق، منطوقه فعال و پویایی معنا که خود شامل مؤلفه‌های فرعی دیگری جهت تبیین توسعه معنا است، سایر معانی حرف عن از متن آیات کشف شده است. این روش‌ها می‌توانند همچون راهی جهت کشف معنای سایر واژه‌های قرآنی نیز به کار رود؛ بنابراین حاصل مباحث مطرح‌شده چنین شد که معنای مرکزی با نام نقطه اتصال همه شعاع‌های دایره معنایی حرف عن محسوب می‌شود که باید در بررسی معانی متعدد این حرف مدنظر قرار گیرد و در تحلیل هر معنا ارتباطش با آن تبیین شود. نکته دیگر اینکه با طرح قواعد گسترش معنای حرف عن، برای کشف بطون معنایی قرآن کریم چند راهکار تعریف شد که نشان داد از طریق این روش‌ها در کوچک‌ترین واژه‌های قرآن هم می‌توان مفهوم‌های مختلفی را دریافت کرد و آن را با نام روش‌شناسی کشف معنای سایر مفردات قرآن به قرآن‌پژوهان معرفی کند.
۲. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸)، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه، چ ۱۱.
۳. بامشادی، پاسا؛ جواد، بامشادی؛ شادی، انصاریان (۱۳۹۴)، «بررسی معنایی سه حرف اضافه wæl'ta و æra در کردی گورانی از دیدگاه شناختی»، فصلنامه جستارهای زبانی، (صص ۱-۲۵).
۴. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات.
۵. بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمان (۱۳۷۶)، عجاز الیانی للقرآن الکریم، ترجمه حسین صابری، تهران: علمی و فرهنگی.
۶. بیضاوی، عبد □ □ بن عمر (۱۴۱۸هـ-ق)، انوارالتنزیل، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. پورابراهیم، شیرین؛ ارسلان گلغام؛ فردوس آقا گلزاده و عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۸)، «بررسی زبان‌شناختی استعاره جهتی □□ / پایین در زبان قرآن رویکرد معنی‌شناسی شناختی»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۱۲، ۵۵-۸۱.
۸. حسینی، علی (۱۳۸۸)، ترجمه و شرح معنی □□ دیب، ج ۲، قم: دارالعلم.
۹. روشن، بلقیس؛ فاطمه، یوسفی‌راد؛ فاطمه، شعبانیان (۱۳۹۲)، «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان»، مجله زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم
۱. قرآن کریم.

منابع

- انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲، (صص ۷۵-۹۴).
۱۰. زاهدی، کیوان؛ عاطفه، محمدی زیارتی (۱۳۹۰)، «شبکه معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی»، *مجله تازه‌های علوم شناختی*، ش ۱، (۶۷-۸۰).
۱۱. سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۹۲)، *تتقان فی علوم القرآن*، ج ۲، مترجم: محمود دشتی، قم: دانشگاه اصول دین.
۱۲. شرتونی، رشید (۱۴۲۹ه-ق)، *مبادی العربیه*، تنقیح: حمید محمدی، قم: دارالفکر.
۱۳. شریفی، لیلا (۱۳۸۸)، «رویکردی شناختی به یک فعل چندمعنای فارسی»، *تازه‌های علوم شناختی*، ش ۴، (صص ۱-۱۱).
۱۴. صفوی، کورش (۱۳۸۲)، «بحثی درباره طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی»، *مجله نامه فرهنگستان*، ش ۲۱، (صص ۶۵-۸۵).
۱۵. صفوی، کورش (۱۳۷۹)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۱۶. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰)، *تفسیر عاملی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات صدوق.
۱۷. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰)، *معناشناسی شناختی قرآن*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. قائمی‌نیا، (۱۳۸۸)، «شبکه‌های شعاعی در معناشناسی قرآن»، *مجله ذهن*، ش ۳۸، (صص ۷-۳۹).
۱۹. کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه؛ خدیجه، حاجیان (۱۳۸۹)، «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی*، س ۳، ش ۹، ۱۳۸۹ (صص ۱۱۵-۱۳۹).
۲۰. گلفام، ارسلان؛ رویا، صدیق ضیابری؛ آریتا، جعفری (۱۳۸۵)، «نگاهی به ساخت مجهول در زبان فارسی با تکیه بر دیدگاه شناختی»، *فصلنامه زبان و زبان‌شناسی*، ش ۴، (صص ۵۶-۷۶).